نقد و بررسی کتاب

جلال متینی

غلامحسین صدیقی
جنبشهای دینی ایرانی در قرنهای دوم و سوم هجری
انتشارات پاژنگ، تهران، ۱۳۷۲
صفحات ۴۰۷، بها ۵۰۰ تومان

کتاب مورد بحث ما در این مقاله، رسالهٔ دکتری* زنده‌یاد غلامحسین صدیقی (۱۲۸۴ـ۱۳۷۰ خورشیدی)ست که در سال ۱۹۳۸ میلادی با عنوان *Les Mouvements Religieux Iraniens au IIe et IIIe Siècle de l'Hégire* در فرانسه به‌طبع رسیده، و متن فارسی آن پس از درگذشت وی، به همت استاد نامدار یحیی مهدوی در کمال دقت و امانت و حسن سلیقه به چاپ رسیده است.

موضوع یادکردنی دربارهٔ این کتاب آن است که این رسالهٔ دکتری، پس از گذشت بیش از نیم قرن که از تاریخ نگارش آن گذشته، هنوز به عنوان کتابی مستند و معتبر ارزش خود را حفظ کرده و مورد مراجعهٔ محققان ایرانی و غیر ایرانی‌ست. وقتی کتاب را به دقت از نظر می‌گذرانیم متوجه می‌شویم که نویسنده‌ٔ آن هدفش تنها گرفتن مدرک دکتری از پاریس نبوده است، زیرا وی با راهنمایی استادان خود در تألیف این کتاب از جمله از یک‌صد و بیست و چهار متن فارسی و عربی و یک‌صد و چهل و دو متن اروپایی استفاده کرده و در هر مورد به نقد منابع و مآخذ مورد مراجعهٔ خود نیز پرداخته و رای خود را دربارهٔ صحت و سقم آنها به صراحت اظهار داشته است.

استاد یحیی مهدوی در پیشگفتار کوتاهی که بر کتاب نوشته از شیوهٔ کار مؤلف

چنین یاد کرده است که «آری دکتر صدیقی کمال طلب بود، کمال بأکمله، و در این جهت فزونی‌خواه و به اصطلاح فرنگی perfectioniste به معنی ستودهٔ آن... دکتر صدیقی روحیهٔ علمی داشت. دانشمندی دانش‌دوست بود و قائل به قدرت روزافزون عالم‌شمول و عظمت علم... او چون همهٔ دانشمندان واقعی می‌کوشید آنچه درهر زمینه‌ای می‌گوید یا می‌نویسد مطابق موازین علمی و عالم‌پسند باشد، عینی و آفاقی باشد و مستند و مدلل به اسناد اصیل و دلایل متقن و مصون از شائبهٔ هرگونه غرض و میلی. بدین لحاظ احتیاط علمی او گاهی تا حد وسواس می‌رسید...» (ص: دوازده). و نظر مؤلف کتاب را دربارهٔ ایران و تاریخ ایران نیز بدین شرح یاد کرده است که: «دکتر صدیقی مثل من ــ نی،نی، این هیچ‌ندان مانند آن مرد بسیاردان ــ معتقد بود که تاریخ ایــــران مصیبت‌نامه‌ای‌ست درازآهنگ از سرگذشت ساکنان پاکدل این سرزمین، وگرچه، در همین سرزمین به‌ندرت بوده‌اند شهسواران شیردلی که با شیرین‌کاریهای خود اندکی از تلخکامیهای هموطنان کاسته‌اند... فرزندان شیرپاک خوردهٔ این آب و خاک می‌توانند به‌وجود چنان هم‌میهنانی بنازند و مباهات کنند» (ص: سیزده).

موضوع گفتنی آن است که مؤلف، مطالب فصل چهارم کتاب دربارهٔ «استادسیس» را (در قیاس با متن فرانسوی کتاب) بعدها مورد تجدیدنظر قرار داده و در دستنویس نسخهٔ فارسی به خط خود در این باب نوشته است که «این مقاله در واقع اصلاح و اکمال ۵
بخش استادسیس در رسالهٔ دکتری نگارنده است (با حواشی جدید)» (ص: پانزده).

مندرجات کتاب مورد بحث ما پس از پیشگفتار عبارت است از:

«مقدمه» صفحات (۱۷ـ۱۴۳) شامل: الف ـ وضع دینی ایران پیش از تسلط عرب؛ ب ـ وضع دینی ایران در زمان خلافت چهار خلیفهٔ اول؛ ج ـ وضع دینی ایران در زمان امویان؛ د ـ وضع دینی ایران در زمان عباسیان؛ مویدان؛ فعالیت ادبی؛ عادات و رسوم ایرانی؛ آتشکده‌ها؛ مانویت و زندقه؛ دین مزدکی. و سپس فصول کتاب: ۱ ـ به‌آفرید (۱۴۴ـ۱۶۷)؛ ۲ ـ فیروز اسپهبد معروف به سنباد (۱۶۸ـ۱۸۵)؛ ۳ ـ اسحاق (۱۸۶ـ۱۹۰)؛ ۴ـ استادسیس (۱۹۱ـ۲۰۶)؛ ۵ـ مقنّع (۲۰۷ـ۲۳۱)؛ ۶ـ خرّم‌دینان (۲۳۲ـ۲۷۳)؛ ۷ـ بابک خرّم‌دین (۲۷۴ـ۳۲۶)؛ خاتمه (۳۲۷ـ۳۳۲)؛ و دو ذیل، ذیل یکم: افشین خیدر پسر کاوس (۳۳۳ـ۳۵۳)؛ ذیل دوم: محمود (۳۵۴ـ۳۵۵)؛ و آن‌گاه «کتاب‌شناسی مصادر و مراجع»: ۱ ـ به‌فارسی و عربی؛ ۲ـ به‌زبانهای دیگر (۳۵۶ـ۳۶۷)؛ و در پایان فهرست اعلام (۳۶۸ـ۴۰۰).

اشاره به اهمّ مطالبی که در این کتاب مورد بحث قرار گرفته از حوصلهٔ این مقالهٔ

کوتاه خارج است ولی برای آن که خوانندگان از نحوهٔ تألیف کتاب و حدود مطالب آن تا حدی آگاه گردند به ذکر این مختصر می‌پردازد که مؤلف در مقدمهٔ مفصل خود که بیش از یک سوم کتاب به آن اختصاص یافته است، نخست به وجود روح تساهل مذهبی و آزادگذاشتن پیروان ادیان مختلف در ایران دوران هخامنشی و اشکانی اشاره کرده است، و این که چگونه در دورهٔ ساسانیان وضع دگرگون گردید و وحدت سیاسی با وحدت دینی توأم شد و به‌مرور پیشوایان مذهب زردشت به دخالت در تمام امور زندگی مردم پرداختند و موجبات نارضایی آنان را فراهم ساختند. وی آن‌گاه از مانی و مزدک و پیروانشان سخن به میان آورده است و نیز از پیشرفت دین بودایی در شرق ایران و همچنین از خطر بزرگ خارجی، یعنی نشر دین عیسی، هم در مرکز قدرت شاهان ساسانی و هم در میان قشرهای مختلف مردم، و از جمله رسمی شدن این دین در ارمنستان. مؤلف از این موضوع مهم نیز غافل نمانده است که رفتار حکومت ایران با مسیحیان در دوران ساسانیان یکسان نبود و به سبب جنگهای ایران و روم در مواردی با ایرانیان مسیحی با خشونت رفتار می‌شد، با این استدلال که آنان با رومیان به سبب اشتراک مذهب هم‌آوا هستند. از سلطنت خسروپرویز و زیانهایی که او به ایران وارد ساخت نیز یاد شده است. در چنین اوضاع و احوالی، چون حملهٔ عرب آغاز شد علاوه بر زردشتیانِ ناراضی، مسیحیان نیز یا به مهاجمان یاری کردند و یا بیطرفی گزیدند. دکتر صدیقی سپس به رفتار حکمرانان عرب با ایرانیان پرداخته و این موضوع را در سه دورهٔ خلفای راشدین، اموی، و عباسی تا سال ۲۲۷ مورد بررسی قرار داده (۳۶) و نتیجه گرفته است که «هرچه زمان بر دین اسلام می‌گذشت، خلوص نیت و شور و شوق دینی و سادگی عرب نقصان می‌یافت و عُجب و نخوت و جاه‌طلبی و طمع و شهوات دیگر غلبه می‌نمود» (ص۴۱). وی از مظالم و بیداد عمال عرب در ایران ـــ پس از آن که حجّاج بر عراق مسلط گردید ـــ و از جمله از جنایات قتیبة بن مسلم باهلی والی خراسان یاد کرده است که در فرغانه و خوارزم صدهزار مرد و زن اسیر گرفت که در میان ایشان پیر نبود (۴۹). دربارهٔ عبیدالله بن زیاد نیز نوشته است که او در ایران از جمله چهارده هزار برده برای خود تحصیل کرد. از اسلام آوردن بخاراییان بر اساس روایت تاریخ بخارا و بازگشت آنان از اسلام نیز در کتاب سخن به میان آمده است، و آن‌گاه مؤلف حاصل بررسیهای خود را در این باب در عبارت ذیل آورده است که «نباید تصور کرد که این والی [قتیبه] و همکاران معاصر او واقعاً میل شدید به نشر اسلام داشته‌اند، بلکه به عکس جمع مال و جنگ کردن و غارتیدن، غنیمت گرفتن در ایشان غالب بود» (۵۰-۵۱).

وی همچنین به نقل از ابوریحان ــ که در سخنش هیچ محققی تردید روا نمی‌دارد ــ می‌آورد که «قتیبــه [در خوارزم] هر کس را که خط خوارزمی می‌دانست و از اخبار و اوضاع ایشان آگاه بود و از علوم ایشان مطلع، به‌کلّی فانی و معدوم‌الاثر نمود و ایشان را در اقطار ارض متفرق ساخت». نویسندگان خوارزم و پیشوایان دینی آنان را کشت و کتب ایشان را سوخت (۵۱). از یزیدبن‌المهلّب که در سال ۹۷ والی خراسان گردید نیز یاد کرده است که وقتی مردم جرجان بر عامل وی شوریدند و او را با چهار هزار تن از کسانش کشتند، یزید با خدا عهد کرد که اگر بر جرجان ظفر یابد آن قدر از مردم آن‌جا بکُشد که از خونشان آسیا راه اندازد و از آن آسیا آرد گیرد و نان بسازد و بخورد، و چون بر ایشان غلبه یافت بیست میلیون و به قولی سی میلیون درهم در جنگها به‌دست آورد (۵۵). آیا با اشاره به همین چند مورد، که پس از آن در تاریخ ایران بارها و بارها نظایر آن تا به امروز تکرار شده است نباید نظر صحیح استاد فقید غلامحسین صدیقی را مورد تأیید کامل قرار داد که «تاریخ ایران مصیبت‌نامه‌ای‌ست درازآهنگ از سرگذشت ساکنان پاکدل این سرزمین...».

در کتاب از اجرای مراسم نوروز و مهرگان و سده نیز گفتگو شده است و زنده ماندن این مراسم را در دستگاه حاکمان عرب بدین سبب دانسته است که آنان می‌توانستند در این ایام به اسم «هدیه» از ایرانیان مبالغ کثیری بگیرند. دربارهٔ آتشکده‌های موجود در دورهٔ مورد بحث علاوه بر سه آتشکدهٔ بزرگ آذَرفَربغ و آذرگشنسب و آذربُرزین‌مهر از آتشکده‌هایی که در دیگر شهرهای ایران و حتی هند و سند و چین بوده نیز یاد شده است. در این کتاب دربارهٔ مانویان مفصلتر از مزدکیان و پیروان دیگر ادیان و مذاهب سخن به میان آمده، و مؤلف دربارهٔ کسانی که به‌عنوان زندیق شناخته شده بودند و رفتار حکومت با آنان نیز سخن گفته است.

کتاب را باید به‌دقت و از سر حوصله در مطالعه گرفت و دید در قرن دوم و سوم هجری بر ایران و مردم ایران چه گذشته است، و ایرانیان برای رهایی از حکومت تازیان به چه ترفندهایی متوسل گردیده‌اند؛ و از جمله افرادی که نامشان در فصول هفتگانهٔ کتاب و دو ذیل آن آمده است هر یک با آوردن دینی نو چگونه درصدد برآمده بودند در ارکان دین حاکم رخنه‌ای به‌وجود آورند، گرچه هیچ یک از آنان در کار خود توفیقی نیافتند و اکثرشان با حیله‌گری خلفای تازی و به‌دست هموطنان ایرانی خود در دنیای رقابت جان باختند.

فصول کتاب از نظر تعداد صفحات چنان که ملاحظه کردید یکسان نیست، و این

امر تنها مربوط به منابعی‌ست که دربارهٔ هر یک از قهرمانان مورد بحث در کتاب موجود بوده است چنان که دربارهٔ محمود دو صفحه و دربارهٔ اسحاق پنج صفحه مطلب داریم ولی دربارهٔ خرّم‌دینان و بابک خرّم‌دین قریب ۱۰۰ صفحه.

روان زنده‌یاد استاد غلامحسین صدیقی شادباد که محققی بسیار دقیـق و ایران‌دوست بود، چنان که در دنیای سیاست نیز از افراط و تفریط و «شعار دادن» گریزان بود چه شأن و مقامش اجلّ از این‌گونه سخنان بود.

* در شمارهٔ چهارم سال پنجم این مجله در مقالهٔ «دکتر علی شریعتی در دانشگاه مشهد (فردوسی)» نوشتیم که در دانشگاههای فرانسه دو نوع درجهٔ دکتری کاملاً متفاوت ــ به‌خصوص در رشته‌های ادبیات و علوم انسانی ــ به داوطلبان اعطا می‌گردید. یکی درجهٔ دکتری دولتی با ضوابط دقیق دانشگاهی که از جمله دارای ارزش علمی و استخدامی در خاک فرانسه بود، و البته اخذ چنان درجه‌ای ــ به‌ویژه برای خارجیان ــ کار هر کسی نبود. و دیگری دکترای دانشگاهی که در کشور فرانسه مطلقاً فاقد هرگونه ارزش علمی و استخدامی بود و اخذ آن درجهٔ دکتری، حتی مستلزم تحصیل درس یا دروسی در دانشگاه و توفیق در آنها نیز نبود، چنان که داوطلب می‌توانست فی‌المثل با در دست داشتن لیسانس ادبیات فارسی یا زبان فرانسه از دانشگاه مشهد به‌ترتیب داوطلب اخذ درجهٔ دکتری دانشگاهی در «تاریخ» یا «روان‌شناسی» بشود، و با هر قدر اطلاع از زبان فرانسه، حداکثر در پایان سال سوم اقامت در فرانسه رساله‌ای به زبان فرانسه به هیأت داوران تسلیم کند و دکتر در رشتهٔ تاریخ یا روان‌شناسی شناخته شود. نوشتیم که عده‌ای از کشورها از آغاز، دکتری دانشگاهی را به‌رسمیت نمی‌شناختند، و ما هم در دانشگاه مشهد در سالهای آخر رژیم پیشین دیگر کسی را با آن «درجه» استخدام نکردیم. ذکر این مطلب را در معرفی کتاب جنبشهای دینی ایرانی... لازم دانستیم تا خوانندگان ببینند تفاوت بین دو درجهٔ دکتری دولتی و دانشگاهی صادر از دانشگاههای فرانسه از کجاست تا به کجا.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

عزت‌السادات گوشه‌گیر

شهرنوش پارسی‌پور
آداب صرف چای در حضور گرگ

«حضور گرگ و حکایت رمان‌نویس مدرن»

ــ نگاهی گذرا به کتاب آداب صرف چای در حضور گرگ نوشتهٔ شهرنوش پارسی‌پور ــ

جان جرارد برنان می‌گوید: «رمان نویس مدرن غالباً یک فیلسوف هنرمند است که عمیقاً به مسایلی می‌پردازد از جمله پرسشهایی مهم و اصولی مانند فردگرایی، تنهایی و